

## بررسی مسئله انتخاب مدیران عدالت‌جو در تراز انقلاب اسلامی (مبتنی بر تطبیق دیدگاه امامین انقلاب با آموزه‌های نهج‌البلاغه)

رضا نجفی\*

### چکیده

طی چهل سال گذشته انتخاب مدیران عدالت‌جو در تراز انقلاب اسلامی از مهم‌ترین مسئله‌های حاکمیتی نظام بوده است. بروز فراز و نشیب‌های فراوان مدیریتی در بدنه نظام بر اهمیت این مسئله افزوده است. اکنون در گام دوم انقلاب یافتن پاسخی علمی و عملیاتی برای این مسئله، حیاتی است؛ چراکه تداوم حرکت و حیات انقلاب اسلامی به نقش‌آفرینی کارگزاران و مدیران آن وابسته است. تحقیق حاضر با روشی توصیفی تحلیلی و براساس تطبیق سیره سیاسی امام علی (ع) در نهج‌البلاغه با مشی حاکمیتی امامین انقلاب در چهل سال گذشته، به بررسی و تحلیل مسئله پرداخته است. نتایج تطبیقی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در نظام اسلامی، کسانی برای قرار گرفتن در سیستم مدیریتی شایستگی دارند که دغدغه عدالت‌جویی و تفکر انقلابی‌گری داشته باشند. روحیه جهادی، مردم‌داری، انصاف‌طلبی، ساده‌زیستی، مقابله با سیاست‌زدگی و سیاست‌بازی و همچنین مبارزه با فساد و مفسدین از معیارهای انتخاب مدیران تراز انقلاب اسلامی است.

### واژگان کلیدی

امامین انقلاب، تراز انقلاب اسلامی، مدیر عدالت‌جو، نهج‌البلاغه.

### ۱. طرح مسئله

انقلاب اسلامی ایران با رویکرد ایدئولوژیک، مدل جدیدی از تحولات سیاسی و حاکمیتی را در جهان معاصر رقم زده است. از یکسو ملتهای تحت سلطه، به چگونگی شکل‌گیری دولت چشم دوخته‌اند تا از آن الهام گیرند؛ و از سوی دیگر مستکبران، به نظام اسلامی خیره شده‌اند تا ساختار حاکمیتی آن را سنجش نمایند که تا چه میزان برای سلطه‌گران، خطرساز است. بی‌تردید کارآیی حکومت در تعیین حکمرانان است؛ چراکه ایشان ساکنان دار نظام‌اند و مردم از آنان الگو می‌گیرند: «الناس علی دین ملوکهم» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۱۰۲ / ۷) امام خامنه‌ای با تأکید بر سلامت رفتار دولتمردان فرمودند:

ممکن است در داخل جامعه کسانی پولدار باشند و ریخت و پاش کنند - البته این کار بدی است، ولی به خودشان مربوط است - اما ریخت و پاش ما اولاً از جیبمان نیست، از بیت‌المال است؛ ثانیاً ریخت و پاش ما مشوق ریخت و پاش دیگران است. واقعاً «الناس علی دین ملوکهم». ملوک در این جا به معنی پادشاهان نیست که بگوییم ما پادشاه نداریم؛ نه، ملوک شماها هستید؛ الناس علی دین ماها. (سخنان رهبری / ۱۳۸۴)

اما مسئله این است که چه کسانی و چگونه شایستگی می‌یابند تا در جایگاه حکمرانی و مدیریتی قرار گیرند؟ در حکومت دینی، انتخاب مدیران انقلابی براساس چه معیارهایی است تا آفت دنیاطلبی و اشرافی‌گری، حاکمیت اسلامی را تهدید نکند؟

چنین تحول شگرفی نخستین بار با شکل‌گیری بعثت نبی مکرم اسلام ﷺ آغاز گردید. آیینی آسمانی که تبلور اجتماعی آن در «عدالت» جلوه‌گر است. خداوند در قرآن کریم با مبنا قرار دادن عدالت، به مقابله با تبعیض و فاصله اجتماعی پرداخت؛ چنان‌که تنها مؤلفه برتری را در پرهیزگاری معرفی نموده است. (ر.ک: حجرات / ۱۳) پیامبر ﷺ نیز چنین مأموریتی دریافت کرد تا عدالت را در جامعه برپا نموده، هیچ ملاحظه‌ای جز عدل نکند. وظیفه سیاسی اجتماعی آن حضرت ﷺ در قرآن کریم منعکس شده است:

فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابِهِ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ. (شوری / ۱۵)

به این ترتیب با تشریح اسلام و نزول قرآن، اجرای عدالت به‌عنوان بارزترین نشانه انقلاب رسول خدا ﷺ قلمداد گردید.

به‌علاوه شیوه حکومت‌داری امیرالمؤمنین ﷺ و همچنین گزینش مدیرانی پاک‌دست، مدل ارزنده‌ای است

که نمونه‌هایی از نظریه‌پردازی آن را در نامه آن حضرت علیه السلام به مالک اشتر مشاهده می‌کنیم. تعداد فراوانی از دیگر مکاتبات، خطبه‌ها و وصایای امام علی علیه السلام بر ابعاد گسترده همین تئوری ارزشمند تأکید می‌نماید. حال با گذشت قرن‌ها، بار دیگر حکومت دینی شکل گرفته است تا با محوریت ولایت فقیه، نظریه‌پردازی نماید. سخنان امامین انقلاب در چهل سال گذشته بر همین مبنا بوده است. اکنون ضرورت دارد تا با تطبیق سیره حکومت علوی با دیدگاه حاکمیتی امامین انقلاب، زمینه‌های علمی را برای انتخاب مدیران عدالت‌جو در تراز انقلاب اسلامی بررسی نماییم. از این رو مسئله اصلی در تحقیق حاضر این است که با نگاهی بر حکومت سیاسی دین در صدر اسلام، و همچنین تجربه عملی چهل ساله انقلاب اسلامی، با چه معیارهایی می‌توان مدیران عدالت‌جو را برای تحقق حاکمیت اسلامی انتخاب نمود؟ مدیران عدالت‌جو در تراز انقلاب اسلامی به شکل‌گیری حاکمیت دینی چه کمکی می‌کنند؟ مدیرانی که با مبانی نظری عدالت‌جویی آشنایی داشته باشند و در عمل بتوانند معیارهای عدالت‌خواهی و مردم‌داری را در تراز انقلاب اسلامی محقق نمایند. آیا به این ترتیب می‌توان امیدوار بود که حاکمیت دینی در قالب نظام انقلاب اسلامی هر روز بر استحکام پایه‌های خود بیفزاید؟

## ۲. پیشینه تحقیق

کتاب «حکومت اسلامی» که محصول اندیشه سیاسی امام خمینی است، از مهم‌ترین نگاه‌های است که به این مبحث پرداخته است. در این اثر ارزشمند، فقه حکومتی و فقه سیاسی با استناد به منابع اصیل اسلامی تحلیل شده است. شهید مطهری نیز مقاله‌ای با عنوان *مدیریت و رهبری در فرهنگ اسلام* نوشته است و در آن به تبیین موضوع پرداخته است. به‌علاوه اندیشه‌های حکومتی وی در کتاب *امدادهای غیبی در زندگی بشر* منعکس شده است. کتاب دیگری که در این خصوص موجود است به باقر شریف القرشی تعلق دارد که با عنوان *النظام السياسي في الاسلام* در نجف اشرف منتشر شده است. همچنین کتاب‌های ارزشمندی با موضوع حکومت، مدیریت و ویژگی‌های مدیران از منظر امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته شده است که هر یک انعکاسی از گنجینه کلام حضرت علیه السلام در این خصوص است. مصطفی دلشاد تهرانی، کتاب *حکومت حکمت* را با بررسی اوصاف و ویژگی‌های حکومت اسلامی نوشته است. وی نگاه‌های خود را با عنوان *حکومت و مدیریت در نهج البلاغه* تکمیل نموده است. همچنین علی اصغر پور عزت در قالب مجموعه مدیریت ما، به تدوین کتاب *مدیریت اسلامی در پرتو نهج البلاغه* پرداخته است. وی به‌دسته‌بندی و تحلیل سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام در باب حکومت، حکومت‌داری و صفات مدیران در حاکمیت اسلامی پرداخته است. مشابه همین پژوهش را رضا نجاری با عنوان *مدیریت اسلامی* نوشته

است. علاوه بر عناوین مذکور، به کتاب *اوصاف و ویژگی‌های مدیران در قرآن و نهج‌البلاغه* بر می‌خوریم که توسط یعقوب عزیزاده و مهدی آقاپور تدوین شده است. در این کتاب نیز به تناسب مباحث مطرح شده، برش‌هایی از نامه‌ها و خطبه‌های امام علیه السلام منعکس و با پشتوانه آیات قرآن کریم تحلیل شده است. این آثار عمدتاً بر پایه نهج‌البلاغه است. دیگر آثاری که طی سه دهه اخیر نگاشته شده‌اند عموماً با محوریت مدیریت اسلامی است که البته از مبانی اندیشه قرآن و سنت نیز بهره‌مند هستند. به‌طور نمونه می‌توان به کتاب *مدیریت اسلامی* نوشته مصطفی عسکریان اشاره نمود. کتاب دیگری با همین عنوان توسط محمدرضا سرمدی منتشر شده است. کتاب *اوصاف و ویژگی‌های مدیران در قرآن و نهج‌البلاغه* نوشته یعقوب عزیزاده و همکاران به بررسی تطبیقی صفات کارگزاران نظام اسلامی در قرآن و نهج‌البلاغه پرداخته است.

علاوه بر آنچه ذکر شد محققین و پژوهشگران، مقالات فراوانی جهت ارائه شاخص‌های مدیریتی، رفتاری و اخلاقی مدیران در نظام جمهوری اسلامی نگاشته‌اند و در تعیین معیارها از قرآن کریم و نهج‌البلاغه بیشترین بهره‌برداری را کرده‌اند. به‌طور مثال می‌توان به مقاله‌ای با عنوان *عوامل موجد مدیریت انقلابی در سازمان از دیدگاه مقام معظم رهبری* نوشته میلاد فخرایی و همکاران اشاره نمود. مقاله دیگری با نام *مؤلفه‌های کلیدی در ساخت جامعه تراز انقلاب اسلامی* با قلم فرزاد جهان‌بین نگاشته شده است. مقاله *اصطلاح‌شناسی عدالت و پیوند آن با مفاهیم همسو در آموزه‌های نهج‌البلاغه* نوشته سید جواد احمدی به تحلیل عدالت در سیره علوی پرداخته است. همچنین مقاله *تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم عدالت از دیدگاه حضرت علی علیه السلام* نوشته ثریا معمار، مفهوم عدالت را از زاویه جامعه‌شناختی آن بررسی کرده است. تحقیقات و نگارش‌های دیگری نیز از ابعاد مختلف در موضوع عدالت علوی، انقلاب اسلامی، ویژگی‌های مدیران اسلامی و... موجود است. اما در مقاله پیش‌رو به دو جنبه از موضوع، توجه عمیق‌تری شده است تا مکمل و متمم سایر پژوهش‌های پیشین باشد. از یک زاویه به تئوری انتخاب مدیران عدالت‌جو از منظر نهج‌البلاغه پرداخته‌ایم؛ و از زاویه دیگر، عدالت‌جویی را در مبحث مهمی با عنوان تراز انقلاب اسلامی قرار داده‌ایم. مکمل این مبحث، سیره سیاسی امام علی علیه السلام، سخنان امام خمینی و مقام معظم رهبری است. بنابراین آنچه بررسی خواهد شد، بر مبنای نظریه سیاسی امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج‌البلاغه، همراه با تطبیقی از نظریه حکومتی امامین انقلاب است. به‌عبارت دیگر نظریه حاکمیتی امیرالمؤمنین علیه السلام را در شرایط کنونی جامعه اسلامی، منعکس و تحلیل نموده‌ایم. به این ترتیب نوشتار حاضر با تحلیلی نوآورانه به تقویت دستاوردهای نظام مقدس جمهوری اسلامی کمک می‌کند تا در گام دوم انقلاب و هم‌زمان با شکل‌گیری دولت مردمی و عدالت‌محور، مدیرانی گماشته شوند که برای مقابله و مبارزه با فساد، توانایی کافی را داشته باشند.

### ۳. مفاهیم کلی

#### ۱-۳. عدالت

عدل در لغت و اصطلاح، معانی مختلفی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: «دادگری کردن» (دهخدا، ۱۳۸۶ ذیل واژه)؛ «نهادن هر چیزی به جای خود»، «حد متوسط میان افراط و تفریط در قوای درونی» (معین، ۱۳۸۶ ذیل واژه)؛ «مفهومی ضد جور است؛ همان که دل‌ها آن را درست و راست می‌دانند» (ر.ک: العین، ۱۴۰۹ ق: ۲ / ۱۵۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۱ ق: ۱۱ / ۴۳۰)؛ «رعایت برابری در پاداش و کیفر دادن به دیگران، اگر عمل نیک است، پاداش و اگر بد است، کیفر داده شود» (مفردات راغب، ۱۳۶۲: ۳۷۲). عدالت، یعنی نهادن هر چیزی به جای خود و لفظی است که با معنایی وسیع در کلیه شئون آدمی حضور مؤثر دارد. قانون عدالت یک قانون کلی و عمومی است و هر نوع داوری و حکومت را چه در امور بزرگ و چه کوچک شامل می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۲۶۶) استاد شهیدمطهری عدل را به چهار مفهوم تعبیر نموده است:

۱. موزون بودن: یعنی رعایت تناسب یا توازن میان اجزای یک مجموعه؛ ۲. تساوی و رفع تبعیض: یعنی رعایت مساوات بین افراد هنگامی که استعدادها و استحقاق‌های مساوی دارند؛ ۳. رعایت حقوق افراد و دادن پاداش و امتیاز براساس میزان مشارکت آنها؛ ۴. رعایت استحقاق‌ها: این معنی از عدل عمدتاً مربوط به عدالت تکوینی و از خصوصیات باری تعالی است. (مطهری، ۱۳۹۶: ۴۷)

از نظر مفهومی، عدالت یعنی اعطا کردن حق برای هر صاحب حقی؛ یا قرار دادن هر چیزی در موضع و جایگاه خود. (ر.ک: نهج‌البلاغه، ح ۴۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۷۲ / ۳۵۷) از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام عدالت، هر چیزی را در جای خود می‌نهد؛ در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. (ر.ک: نهج‌البلاغه، همان)

#### ۲-۳. انصاف

در کنار واژه عدالت، بررسی واژه انصاف نیز ضروری است؛ چراکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در موارد بسیاری از این واژه بهره‌برداری نموده است. در نگاهی کلی، انصاف را به معنای عدالت‌ورزی، اجرای قسط و حق‌طلبی دانسته‌اند. (دهخدا، ۱۳۸۶ ذیل واژه) به علاوه از این واژه در کنار عدالت، به معنای ظلم‌ستیزی استفاده شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۱۹۳) علی علیه السلام در معنای حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی برای انصاف فرمودند: «الحق اوسع الاشياء في التواصف و اضيقها في التناصف» (نهج‌البلاغه، خ ۲۱۶) مراد حضرت علیه السلام

این است که در مقام سخن گفتن و وصف کردن، حق گسترده‌ترین چیزهاست که مردم حق را برای یکدیگر بیان می‌کنند؛ اما در مقام انصاف و ادا کردن حق یکدیگر، مجال بر آنها تنگ شده و گستره حق از همه چیز کمتر می‌شود. (ر.ک: هاشمی خویی، ۱۴۲۹ ق: ۱۴ / ۱۲۲) واژه انصاف در حقوق و حکومت‌داری از گستردگی بیشتری برخوردار است. انصاف در علم حقوق مجموعه‌ای از قواعد و قوانین متکی بر اصول اخلاقی است که در کنار قوانین اصلی حقوقی قرار می‌گیرند و توان تقیید و تخصیص قواعد حقوقی را دارند؛ به‌عنوان مثال اگر عدالت حکم کند که شخصی بدهکاری خود را پرداخت کند، انصاف در مورد اشخاصی که در حال اعسار باشند، حکم به دادن مهلت یا اقساطی پرداخت کردن بدهی می‌دهد. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱ / ۱۴۵) امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...» (نحل / ۹۰) چنین فرمودند: «العدل الانصاف و الاحسان التفضل» (نهج البلاغه، ح ۲۳۱) امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصیت به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند:

خودت را در آنچه میان تو و دیگران است میزان قرار ده. پس آنچه را برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را برای خود نمی‌پسندی، برای آنان می‌پسند. همان‌طور که دوست نداری به تو ظلم شود، تو هم ظلم مکن... (همان، نامه ۳۱)

صاحب **مجمع البیان** می‌نویسد:

پس مفهوم این عبارت «العدل الانصاف» این است که انسان عادل در تمام اعمال و رفتار خود، حق‌محور باشد و همچنین تعاملات او در مسیر اعتدال است که هیچ انحراف و اعوجاجی در آن نیست. (طبرسی، ۱۳۸۸: ۳ / ۴۶۷)

### ۳-۳. مدیر تراز انقلاب اسلامی

مدیر تراز انقلاب اسلامی کسی است که درد جامعه را می‌داند؛ انقلاب را به راحتی نمی‌فروشد و زحمات ملت را بر باد نمی‌دهد. امام خمینی (ره) فرمودند:

آنهایی که در خانه‌های مجلل راحت و بی‌درد آرمیده‌اند و فارغ از همه رنج‌ها و مصیبت‌های جان‌فرسای ستون محکم انقلاب و پابره‌نه‌های محروم، تنها ناظر حوادث بوده‌اند و حتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته‌اند، نباید به مسئولیت‌های کلیدی تکیه کنند که اگر به آنجا راه پیدا کنند، چه بسا انقلاب را یک شبه بفروشد و حاصل همه زحمات ملت را بر باد دهند. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۲۰ / ۳۳۳)

مقام معظم رهبری فرمودند:

در طول انقلاب اسلامی، هرگاه مدیریت انقلابی، فعال و پُرتحرک داشتیم، کارها پیش‌رفته است و هرجا مدیریت‌های ضعیف، بی‌حال، ناامید، غیرانقلابی و بی‌تحرک داشتیم، کارها متوقف یا منحرف شده است. بنابراین باید مدیران، افرادی بانگیزه‌تر و کارآمدتر باشند و تلاش بیشتری انجام دهند و به حول و قوه الهی، این‌گونه نیز خواهد شد. (بیانات رهبری / ۱۳۹۶)

همچنین ایشان در توصیف مدیر تراز انقلاب اسلامی فرمودند:

امروز میهن عزیزمان، تشنه خدمت و آماده حرکت جهشی در همه عرصه‌ها، و نیازمند مدیریتی باکفایت و جهادی و دانا و شجاع است که بتواند توانمندی‌های آشکار و نهفته ملت، به‌ویژه جوانان را که بسیار فراتر از مشکلات است بسیج کرده و به میدان کار و تلاش سازنده آورد. (بیانات رهبری / ۱۴۰۰)

#### ۴. تئوری انتخاب مدیران عدالت‌جو در تراز انقلاب اسلامی

رویکرد عدالت‌طلبی در نظام انقلاب اسلامی بر سه مبنا استوار است:

۱. شکل‌گیری گفتمانی که تعیین‌کننده روش و اهداف انقلاب است. چنین رویکردی در شعارهای انقلاب اسلامی متجلی است. مقام معظم رهبری همین اصل مهم را تبیین فرمودند:

در انقلاب اسلامی ما - که یک حرکت دینی بود - به‌طور طبیعی عدالت جایگاه ممتازی داشت و دارد. در شعارهای مردمی، در قانون اساسی، در بیانات امام راحل... (بیانات رهبری / ۱۳۹۰)

بنابراین عدالت‌خواهی در قالب «گفتمانی برتر» مطرح شد تا غنای آن در تمام زوایا شنیده شود. به تعبیر مرتضی مطهری انقلاب، ماهیتی عدالت‌خواهانه دارد؛ عدالتی که شرط لازم تحقق انقلاب در سایه اسلام بود؛ همان‌گونه که شعار استقلال و آزادی در پرتو اسلام قابلیت تحقق یافت. (مطهری، ۱۳۷۸: ۶۲ - ۵۴) اکنون گفتمان عدالت‌جویی در همه مراحل انقلاب اسلامی به گوش می‌رسد.

۲. انقلاب اسلامی با محتوا و متنی عدالت‌خواهانه آغاز گردید. ماهیت عدالت‌جویی موجب شد تا همه ابعاد انقلاب اسلامی بر تفکر عدالت‌طلبی بنا شود؛ چراکه اسلام بر پایه عدالت قوام یافته است. در نگاه اندیشمندان امام خمینی اسلام برای اقامه حکومت عدل‌گستر آمده است و اصولاً پیامبر اسلام ﷺ حکومتی چون سایر حکومت‌های جهان تأسیس کرد، اما با انگیزه بسط عدالت اجتماعی. به نظر ایشان عدالت، فلسفه اصلی حکومت دینی است. (ر.ک: امام خمینی / متن وصیتنامه) مقام معظم رهبری نیز در خصوص اهمیت عدالت‌خواهی در متن انقلاب فرمودند:

اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، مسئله اسلام ناب محمدی است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالت‌خواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنجدیدگان و مستضعفان... (بیانات رهبری / ۱۳۸۹)

به این ترتیب عدالت‌جویی به متن و ماهیت انقلاب اسلامی تبدیل شده است.

۳. انقلاب اسلامی با الهام از تعالیم قرآن کریم و سنت اهل‌بیت علیهم‌السلام به طراحی مدلی جدید در حکمرانی سیاسی پرداخته است که اندیشه عدالت‌خواهی را در عملکرد مدیران متجلی سازد. مقام معظم رهبری در تحلیل این مرحله فرمودند:

عدالت‌طلبی فقط این نیست که انسان شعار عدالت‌طلبی بدهد؛ نه، باید این را واقعاً بخواهد. عدالت‌طلبی به این نیست که انسان رو در روی کسی بایستد و بگوید تو عدالت‌طلب نیستی؛ نه، این، ساز و کار دارد. باید جامعه به نقطه‌ای برسد که سیاست‌های عدالت‌طلبانه در آن طراحی شود و دستگاه اجرایی طوری باشد که سیاست‌های عدالت‌طلبانه فرصت عملیاتی شدن و اجرایی شدن پیدا کند. (بیانات رهبری / ۱۳۸۴)

عمل‌گرایی در اندیشه عدالت‌جویی همان است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «با عدالت‌م لباس عافیت و سلامت بر شما پوشاندم». (نهج‌البلاغه، خ ۸۷) در این مرحله مدیران و کارگزاران نظام اسلامی، عدالت‌طلبی را از عملکرد خود آغاز می‌کنند و به سطوح مختلف جامعه تسری می‌بخشند. محمدتقی جعفری در شرح عملکرد عدالت‌خواهانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌نویسد:

عدالت، صفتی نیست که از بیرون بر انسان تحمیل شود، بلکه عدالت عبارت است از شناخت قانون موجودیت خویشتن و به‌کار بردن آن. بنابراین کسی که نتوانسته است چنین شناختی را در مورد خویش داشته باشد چگونه می‌تواند درباره دیگران عدالت نماید؟! (جعفری، ۱۳۸۲: ۱۴ / ۱۱۱)

با این وصف، مدیر عدالت‌جو در تراز انقلاب اسلامی، عدالت را از خود آغاز نموده و به جامعه تعمیم می‌دهد. در ادامه به تحلیل مسئله انتخاب مدیران عدالت‌جو در تراز انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

#### ۱-۴. کارآمدی، مبنای عدالت‌جویی و انقلابی‌گری

امیرالمؤمنین علیه‌السلام بر اصل کارآمدی و مسئولیت‌پذیری تأکید نموده است. تعهد نسبت به کار، بررسی و بازرسی امور و نظارت بر عملکرد کارگزاران از اهم تکالیف مدیران کارآمد است. آن حضرت علیه‌السلام شایستگی



و کارآمدی را از اساسی‌ترین اصول تعیین مدیران معرفی کرده است. علاوه بر این، ایشان گزینش افراد با تجربه و متخلق را برای پیشگیری از تخلف ضروری دانسته است؛ (نهج البلاغه، ن ۵۳) که قوت انقلاب اسلامی نیز بر همین مبنا است. لذا رهبری فرمودند: «انقلاب به کار آدم‌های کارآمد و صادق نیاز دارد». (بیانات رهبری / ۱۳۶۸) انقلاب اسلامی برای تحقق شعارها و دستیابی به اهداف بلندمدت، به مدیرانی نیازمند است که بتوانند چرخ انقلاب را به حرکت درآورده و آن را حفظ نمایند. در نقطه مقابل، به‌کارگیری کارگزاران ناکارآمد، به تزلزل پایه‌های حکومت می‌انجامد و مردم را نسبت به گذشته و آینده انقلاب بدبین و رویگردان می‌نماید. تأکید فراوان رهبری بر کارآیی و کارآمدی مسئولان نظام، جای تأمل دارد:

بنده روی این اصرار و تکیه دارم که بر روی کارآیی‌ها و کارآمدی مسئولان، طبق همان ضوابطی که قوانین ما متخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. (بیانات رهبری / ۱۳۸۳)

تحقق مسئله کارآمدی مدیران نظام، براساس قابلیت‌هایی تحلیل می‌شود که به شرح آنها خواهیم پرداخت:

#### ۴-۱-۱. دانش، پشتوانه عدالت‌جویی و انقلابی‌گری

امیرالمؤمنین علی علیه السلام علم و دانش را معیاری برای ارزش‌گذاری اشخاص معرفی کرده است: «قیمه کل امرء ما یعلم» (آمدی، ۱۳۷۸: ۵۵۴) از این‌رو برترین افراد برای حکومت را کسانی می‌داند که از دانش بیشتری برخوردارند:

ای مردم! سزاوارترین افراد به امر خلافت، آن کسی است که در تحقق حکومت، نیرومندتر و در آگاهی نسبت به فرمان الهی داناتر باشد. (نهج البلاغه، خ ۱۷۳)

در نگاهی عدالت‌محور، کسانی در جایگاه مدیریتی جامعه قرار می‌گیرند که نسبت به دیگران آگاه‌ترند. علاوه بر این، ضرورت دارد که کارگزاران حکومت اسلامی در حیطة کاری خود از دانش و آگاهی کامل برخوردار باشند. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۹ / ۳۲۸) در این خصوص امیرالمؤمنین علیه السلام چنین فرمودند:

و اینکه مدیر باید آگاه‌ترین افراد به حلال و حرام خداوند و احکام [دین] و امر و نهی الهی و تمام آنچه که مردم بدان نیاز دارند، باشد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ق: ۲۵ / ۱۶۵)

در حکومت اسلامی، مدیران بدون علم و آگاهی و بدون تخصص به کاری مبادرت نمی‌ورزند؛ چراکه در آن صورت منابع جامعه را هدر داده و فرصت‌ها را از بین می‌برند. اقدام مدیران انقلابی بر مبنای دانش، اطمینان‌بخش است. (ر.ک: نهج البلاغه، ح ۲۷۴)

#### ۴-۱-۲. صلابت انقلابی در مسیر انقلاب

رهبری در تبیین استقامت انقلابی فرمودند:

... ما راهی که انتخاب کردیم، راه خداست. راه خدا فقط به معنای عبادت کردن و در کنج نشستن نیست. راه خدا یعنی به سعادت رساندن جامعه انسانی. ملت ما این راه را انتخاب کرد. یعنی راه عدالت، راه انصاف، راه عبودیت... در این راه پافشاری هم کرده است. با سختی‌هایی که در این راه هست، مقابله کرده و از آنها نهراسیده است. (بیانات رهبری / ۱۳۸۵)

امیرالمؤمنین علیه السلام در انتخاب مدیران حکومتش، به کسانی اعتماد می‌کند که صلابت انقلابی دارند. آن حضرت علیه السلام در وصف مؤمن با صلابت می‌فرماید: «مؤمن روحش از سنگ خارا سخت‌تر و محکم‌تر است». (نهج‌البلاغه، ج ۳۳۳) انسان مؤمن از کوه استوارتر است و در صحنه عمل با سستی مواجه نمی‌شود. از نظر روحی قوی است تا بتواند در طوفان حوادث به سلامت عبور نماید. (ر.ک: ابن‌میشم، ۱۳۷۵: ۳ / ۲۷۹) امام علی علیه السلام در معرفی مالک اشتر نخعی به مردم چنین فرموده است:

من بنده‌ای از بندگان خدا را به‌سوی شما فرستادم که در روزهای وحشت نمی‌خوابد و در لحظه‌های رعب و وحشت، از دشمن روی بر نمی‌تابد. بر بدکاران از شعله‌های آتش تندتر است. او مالک بن حارث مذحجی است. آنجا که با حق است سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید. او شمشیری از شمشیرهای خداوند است که نه تیزی آن کند می‌شود و نه ضربت آن بی‌اثر است. (نهج‌البلاغه، ن ۳۸)

براساس آموزه‌های اسلام، آنچه که تحولات انقلابی را به ثبات منتهی می‌کند، استقامت و صلابت است. خداوند متعال این را به مؤمنین بشارت داده (فصلت / ۳۰) و در حکومت علوی نیز بر این مهم تأکید شده است:

واصبروا علی البلاء و لا تحركوا... .

بر سختی‌ها استقامت کنید و محکم بایستید. (نهج‌البلاغه، خ ۱۹۰)

#### ۴-۱-۳. همت انقلابی

همت و تلاش مضاعف، از نشانه‌های کارآمدی نظام است؛ چراکه حاکمیت را به اهداف انقلاب اسلامی نزدیک‌تر می‌کند. مقام معظم رهبری در تأکید بر این موضوع فرمودند:

این شعار «همت مضاعف و کار مضاعف» که سال گذشته عرض کردیم، امسال هم باید

۱۹۱ □ بررسی مسئله انتخاب مدیران عدالت‌جو در تراز انقلاب اسلامی

در کنار مسئله «جهاد اقتصادی» مورد توجه قرار بگیرد. ان شاء الله همه تلاش کنند، همه کار کنند. (بیانات رهبری / ۱۳۹۰)

رابطه میان «همت و تلاش مضاعف» با «کارآمدی مدیران انقلابی» پیش از این نیز مورد تأکید رهبری انقلاب بوده است:

مسئولان باید کارهای نشده، کارهای ضعیف، کارهای تأخیر شده و فراموش شده را با توجه مضاعف و با اهتمام دو برابر در برنامه کار خود قرار دهند؛ و این نمی‌شود، مگر این‌که مسئولان همه همت خود را برای کار بگذارند. (بیانات رهبری / ۱۳۸۰)

شایسته‌ترین افراد برای مدیریت کسانی هستند که از همت، تلاش و پشتکار لازم برخوردار باشند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

من احسن الکفایه استحق الولایه.

کسی که به درستی از عهده امور برآید برای رهبری جامعه شایستگی دارد. (آمدی، ۱۳۷۸: ۵ / ۳۴۹)

آن حضرت در خطاب به مالک اشتر فرمودند:

از عجله در کارهایی که وقتش نرسیده، یا سهل‌انگاری در اموری که انجامش ممکن شده، یا لجبازی در چیزی که نامعلوم است، یا سستی در آنچه که روشن است برحذر باش. هر چیزی را در جای خودش بگذار، و هر کاری را به موقع خودش انجام ده. (نهج‌البلاغه، ن ۵۳)

باورمندی به تلاش و همت در سبک مدیریتی دولت‌مردان، در کلام رهبری انقلاب نیز منعکس شده است:

..... باید با همت و تلاش مضاعف و نهراسیدن از دشمن و توطئه‌های او، پرهیز از سیاه بینی و یأس، با سرعت بیشتر به سمت قله حرکت کرد. (بیانات رهبری / ۱۳۹۱)

در نقطه مقابل، سستی و کسالت در اداره امور، به ضعف حاکمیت منتهی می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۱ / ۸۰)

#### ۴-۱-۴. روحیه جهادی

یکی دیگر از معیارهای شناخت مدیران عدالت‌جو در تراز انقلاب اسلامی، برخورداری از روحیه جهادگری است. فعالیت با نشاط و تشخیص به موقع ضرورت‌ها از اهم موضوعاتی است که مدیر انقلابی را به کار و

خدمت‌رسانی وامی‌دارد. رهبری در خصوص روحیه جهادی فرمودند:

روحیه جهادی لازم است. ملت ما از اول انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه جهادی وارد میدان شده، پیش رفته... (بیانات رهبری / ۱۳۹۲)

رابطه میان روحیه جهادی و کار انقلابی نیز موضوعی اساسی است که در بیانات ایشان منعکس شده است:

ما جز با کار جهادی و کار انقلابی نخواهیم توانست این کشور را به سامان برسانیم. (بیانات رهبری / ۱۳۹۶)

چنین اندیشه تابناکی قابلیت دارد که کشور را با جهشی مضاعف به قله‌های موفقیت برساند. نگاه رهبری برگرفته از فرهنگ جهادگری در کلام الهی است؛ کسانی که با جهد و کوشش در راه خدا، مسیرهای تعالی و شکوفایی را هموار می‌کنند: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت / ۶۹) مبنای تئوری انتخاب مدیران انقلابی و عدالت‌جو، روحیه جهادگری است که افرادی را گرد هم می‌آورد تا به تعبیر رهبری، «آتش به اختیار» باشند و حل مسائل مملکت را با امور حاشیه‌ای گره نزنند. رهبری فرمودند:

من به همه آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً می‌گویم: هرکدام کار کنید؛ مستقل و به قول میدان جنگ، آتش به اختیار. (بیانات رهبری / ۱۳۹۶)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام با تبیین نقش جهاد در اعتلای اسلامی فرمودند:

.... وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ، فَإِنَّهُ ذُرْوَةُ الْإِسْلَامِ.

و جهاد در راه او، چراکه جهاد قله رفیع اسلام است. (نهج‌البلاغه، خ ۱۱۰)

بدین ترتیب روحیه جهادی یعنی احساس مسئولیت در برابر همه امور؛ به‌گونه‌ای که حرکتی تلاش‌مندانه و جهشی را به‌دنبال داشته باشد.

## ۲-۴. مردم‌داری

امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر فرمودند:

مبادا مدت طولانی از مردم فاصله بگیری؛ زیرا کناره‌گیری کارگزاران از مردم، نوعی

تنگنا و موجب بی‌اطلاعی حاکم از امور است و باعث بی‌اطلاعی مردم از واقعیت جریان امور می‌شود. این بی‌اطلاعی موجب در هم آمیختگی حق و باطل می‌گردد... . (نهج‌البلاغه، ن ۵۳)

در عهدنامه مالک اشتر، کارگزاران موظفند تا در ساعت‌های معینی با مردم تماس مستقیم داشته باشند و جلوی مظالم را بگیرند تا طعم شیرین عدالت در میان آحاد مردم چشیده شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۱ / ۹۴) در جریان انقلاب اسلامی ایران نیز نگاه حاکمیتی امامین انقلاب بر محوریت مردم متمرکز است. لذا مقام معظم رهبری فرمودند: «همیشه مردم در چشم امام، اصل بودند». (بیانات رهبری / ۱۳۷۱) استاد مطهری می‌نویسد:

یکی از چیزهایی که رضایت عموم بدان بستگی دارد این است که حکومت با چه دیده‌ای به توده مردم و به خودش نگاه می‌کند؛ با این چشم که آنها برده و مملوک، و خود مالک و صاحب اختیار است؟ یا با این چشم که آنها صاحب حق‌اند و او خود تنها وکیل و امین و نماینده است؟ (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۳۳)

این امر مهم از جهاتی قابل تحلیل است:

#### ۴-۲-۱. انصاف‌طلبی

امیرالمؤمنین علی علیه السلام انصاف را همان عدالت تعریف نموده است: «العدل انصاف» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۷۹ / ۲۹) عدالت‌خواهی و انصاف موجب می‌شود تا لیاقت و شایستگی در امور لحاظ شده، هرگونه تبعیض و خودخواهی رفع گردد. امام علیه السلام در عهدنامه حکومتی خطاب به مالک اشتر نوشتند:

با خدا و مردم، با خویشاوندان نزدیک و با افرادی که آنان را دوست داری، انصاف را رعایت کن که اگر چنین نکنی ستم روا داشته‌ای... . (نهج‌البلاغه، ن ۵۳)

عدالت و انصاف، نزدیک‌ترین راه گشایش در امور مملکت‌داری است. در همین رابطه آن حضرت فرمودند:

در عدالت گشایشی است و آن کسی که عدالت او را به سختی می‌اندازد، ستم برایش سخت‌تر است. (نهج‌البلاغه، خ ۱۵)

محمدتقی جعفری در شرح کلام امام علیه السلام می‌نویسد:

هیچ اعتلا و تمدن اصیلی را در تاریخ بشری بدون در نظر گرفتن عامل عدالت، نمی‌توان

تحلیل و تفسیر نمود، چراکه عدالت آب حیات شئون سازنده بشری است. (جعفری،

۱۳۸۲: ۳ / ۱۹۱)

در توزیع اقتصاد و امکانات نیز توجه به نقاط دور و نزدیک ضروری است. امیرالمؤمنین علیه السلام چنان به انصاف پرداخته است که آن را رکن مملکت داری نشان می‌دهد آن حضرت علیه السلام در خصوص برخی از مردم ناتوان می‌فرماید:

... سپس با آنان به صورتی عمل کن که به وقت لقاء حق، عذرت پذیرفته شود، زیرا اینان در میان رعیت از همه به دادگری و انصاف نیازمندترند، و در ادای حق همگان باید چنان باشی که عذرت نزد خداوند قبول شود. (نهج البلاغه، ن ۵۳)

مدیر انقلابی و عدالت‌جو به دنبال حمایت از حقانیت است؛ بدون آنکه در معرض تعصب و خودخواهی قرار گیرد. امام خمینی در خصوص حاکمیت انقلاب اسلامی فرمودند:

علامت شخص منصف آن است که حق با هر طرف هست، از آن حمایت کند گرچه از دشمنان او باشد. (امام خمینی، ۱۳۹۵: ۱۴۶)

مقام معظم رهبری نیز رعایت انصاف را شرط پیشرفت کشور و تعالی امور دانسته‌اند؛ به خصوص رعایت انصاف در امور مملکت‌داری و سیاسی که مورد تأکید ایشان است:

اگر چنانچه ما با کسانی که مخالف هستیم، درباره آنها بی‌انصافی نکنیم و آنها هم درباره ما بی‌انصافی نکنند، ببینید چقدر وضع جامعه، وضع روا و خوبی خواهد شد. (بیانات رهبری / ۱۳۹۹)

#### ۴-۲-۲. اعتدال و میانه‌روی

از لوازم ایجابی در تحقق مدیریت انقلابی، اعتدال و میانه‌روی است. اساساً افراط و تفریط نشانه جهالت است و نتیجه‌ای جز عدم موفقیت در بر ندارد: «لَا تَرِي الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا» (نهج البلاغه، ح ۶۷) امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «سیرته القصد؛ شیوه زندگی میانه و اعتدال بود». (نهج البلاغه، خ ۹۴) مدیر عدالت‌جوی انقلابی، زمانی می‌تواند در اداره امور محوله، موفقیت کسب نماید که در مسیر تعادل گام بردارد. در این صورت شایستگی آن را دارد که خود را در تراز انقلاب اسلامی بداند؛ چراکه چنین مدیری توانایی دارد جامعه را از بند ظلم و فقر نجات داده، به رفاه و سعادت برساند. امام خمینی با ترسیم این مشی ارزشمند برای مدیران تراز انقلاب اسلامی فرمودند:

در جمهوری اسلامی زورگویی نیست، در جمهوری اسلامی ستم نیست... در جمهوری اسلامی برای فقرا فکر رفاه خواهد شد؛ مستمندان به حقوق خودشان می‌رسند... عدالت الهی بر تمام ملت، سایه می‌افکند. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۶ / ۵۲۵)

ناگفته پیداست که تعادل در معنای جهادگرانه با هدفی متعالی همراه می‌شود. ایثار، اهداف و آمال والای روحی بر تاب و توان و قدرت معمولی که شرط تکلیف است، شایسته انسان‌های عظیم‌الشأن است که می‌توان آن را به اعتدال ایثاری اصطلاح نمود. (جعفری، ۱۳۸۲: ۱۷ / ۷۹) به عبارت دیگر مدیر عدالت‌جو در تراز انقلاب اسلامی به نمونه‌ای از عدالت نیازمند است که در معنای ایثار و جهاد جلوه‌گر است. بر این اساس ضروریست که حکومت نیز کارگزارانی را انتخاب نماید که بر طریق تعادل و میانه‌روی گام بردارند؛ چراکه چنین شیوه‌ای بر سیره امام علی علیه السلام استوار است:

ما همانند آن پستی میانی، حد وسط هستیم، که هر که نرسیده باید خود را برساند و هر که از ما در گذرد، باید که به ما باز گردد. (نهج‌البلاغه، ح ۱۰۹)

آن حضرت علیه السلام در نامه حکومتی خود به مالک اشتر بر میانه‌روی تأکید نموده، آن را از ضروری‌ترین موضوعات می‌داند. (ر.ک: نهج‌البلاغه، ن ۵۳) اشاره به این نکته مهم است که اعتدال به معنای کُنُدی و سستی نیست؛ چراکه میانه‌روی نقطه وسط تندروی و کُندروی است. بیان رهبری در این خصوص راهگشاست:

معنای اعتدال این نیست که ما از کارهای احساس وظیفه‌ای که فرد مؤمن، جریان مؤمن، مجموعه مؤمن انجام می‌دهد، جلوگیری کنیم. (بیانات رهبری / ۱۳۹۳)

#### ۴-۲-۳. ساده‌زیستی

«آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم...» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۸ / ۱۲۶) این مهم از شروط لازم برای انتخاب مدیران عدالت‌جو در تراز انقلاب اسلامی است؛ چراکه اولاً مدیر ساده‌زیست از رذائل اخلاقی همچون غرور و تکبر عاری است، ثانیاً عموم مردم در برابر او احساس حقارت نمی‌کنند، ثالثاً ساده‌زیستی او را از دست بُرد زدن به بیت‌المال بی‌نیاز می‌کند، رابعاً مدیر ساده‌زیست درد فقیران و تهیدستان را بهتر می‌فهمد، خامساً اطرافیانش نیز به خود اجازه سوءاستفاده نمی‌دهند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

خداوند بر پیشوایان عادل واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان همسان کنند، تا تنگدستی فقیر، او را برنیاشود. (نهج‌البلاغه، خ ۲۰۹)

آن حضرت علیه السلام عثمان بن حنیف استاندار بصره را به دلیل شرکت در مهمانی اشرافی و استفاده از غذاهای رنگارنگ، مورد مؤاخذه قرار می‌دهد؛ چراکه در مسند کارگزار نظام اسلامی، در مجلس مجلل مهمانی حضور یافته است. (ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۴۵) سلامت نظام حکمرانی در انقلاب اسلامی نیز بر ساده‌زیستی استوار است. از این رو کسانی برای تحقق اندیشه و عمل عدالت‌خواهی شایستگی دارند که پایبند به ساده‌زیستی باشند؛ چراکه گفتمان و ماهیت انقلاب اسلامی همین است. استدلال و تحلیل رهبری در این خصوص خواندنی است:

یکی از شعارهای ما قبل از پیروزی انقلاب... ساده‌زیستی بود؛ زندگی ساده و کمتر بهره‌بردن از جلوه‌های دنیا! بعد که انقلاب پیروز شد، سعی کردیم باز هم همین روش، همین شعار و همین مبنا را دنبال کنیم. (بیانات رهبری / ۱۳۷۷)

#### ۴-۲-۴. دردمندی و محروم‌نوازی

محرومان و دردمندان، پشتوانه و سرمایه انقلاب هستند. امام خمینی (ره) بر این باور بودند که:

با پشتیبانی مردم خصوصاً طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد و دست ستم‌شاهی از کشور و ذخائر آن کوتاه گردید. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۲۱ / ۴۲۶)

انقلاب در ادامه نیز به مردم محتاج است. امام فرمودند:

اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد. کاری نکنید که مردم از شما بترسند کاری نکنید که مردم با شما صحبت کنند. (همان: ۱۹ / ۳۷)

حال که چنین است پس مدیری برای نام انقلاب و صفت عدالت‌جویی شایستگی دارد که دردمندی و مردم‌نوازی، دغدغه او باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به مالک اشتر فرمودند:

بخشی از اوقات خود را برای نیازمندان قرار بده و در مجالس عمومی با ایشان بنشین... تا بدون لکنت و ترس با تو سخن بگویند... (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

آن حضرت در آیین‌نامه حکومتی، بر محروم‌نوازی تأکید بیشتری فرموده است تا مورد غفلت کارگزاران قرار نگیرند:

از اندیشه‌ات در امور ایشان دریغ مکن، و رخ از آنان برمتاب، نسبت به امور نیازمندان و محتاجانی که به تو دسترسی ندارند، از آنان که کوچک شمرده می‌شوند و مردم تحقیرشان می‌کنند، کنجکاو می‌کن... (همان)



توجه به کوخ‌نشینان و پابرهنگان، از مهم‌ترین رسالت‌های انقلاب اسلامی و از اهم وظایف مدیران انقلابی است. امام و رهبری بارها به این موضوع اشاره نموده‌اند:

از اول پیروزی انقلاب، امام تکیه بر طبقات ضعفا را اصرار کردند، تکرار کردند، توصیه کردند. تعبیر «پابرهنگان» و «کوخ‌نشینان» جزو تعبیراتی بود که در کلام امام بارها و بارها تکرار شد. به مسئولین اصرار داشتند که به طبقات محروم برسید. (بیانات رهبری / ۱۳۹۰)

با توجه به آنچه که نقل شد، کسانی برای مدیریت در نظام انقلاب اسلامی شایستگی دارند که درمندان از وضعیت ضعفا و نیازمندان مطلع باشند و اجازه ندهند که محرومان بر اثر بی‌عدالتی مورد ظلم و تعدی واقع شوند.

#### ۳-۴. فسادستیزی

مبارزه با فساد، به مدیر انقلابی و عدالت‌جو مشروعیت می‌بخشد. در این زمینه رهبری فرموده‌اند:

مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این، پایه مشروعیت ماست. (بیانات رهبری / ۱۳۸۲)

در طرف مقابل فساد نیز به تباهی حاکمیت می‌انجامد. امیرالمؤمنین علیه السلام از رواج فساد در میان حاکمان و کارگزاران جامعه ابراز تأسف کرده و می‌فرمایند:

اما تأسفم از این است که حکومت این امت به دست بی‌خردان و تبه‌کاران افتد، و مال خدا را در بین خود دست به دست کنند، و عباد حق را به بردگی گیرند، و با شایستگان به جنگ خیزند، و فاسقان را هم دست خود نمایند... (نهج‌البلاغه، نامه ۶۲)

از این رو امام خمینی نخستین گام در انقلاب اسلامی را مبارزه با فساد معرفی نمودند:

اولین اقدام این است که همه عوامل فساد و مهم‌تر اینکه همه انگیزه‌های فساد در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سایر زمینه‌ها با کمال جدیت باید ریشه‌کن شود. (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۳۶۴)

نکته مهم‌تر اینکه باید تلاش شود تا از رشد فساد جلوگیری به عمل آید. معمار کبیر انقلاب در این خصوص فرموده‌اند:

ما با تکیه بر دستورات اسلامی و اجرای مقررات آن در همه زمینه‌ها تلاش خواهیم کرد که از سویی دست عناصر فاسد کوتاه شود و از طرفی انگیزه‌های فاسدکننده نابود

شود... و بدین ترتیب از رشد فساد جلوگیری می‌شود و مجال بر عناصر فاسد نیز بسته می‌ماند. (همان، ۱۳۹۲: ۳۶۵)

امیرالمؤمنین علیه السلام کنار زدن انسان‌های صالح و انتخاب افراد پست را نشانه فساد و انحطاط جامعه و نظام می‌داند:

چهار چیز، نشانه انحطاط دولت‌ها است: اصول را ضایع کردن؛ به فروع چسبیدن؛ افراد فرومایه و پست را مقدم داشتن؛ افراد بافضیلت را کنار زدن. (آمدی، ۱۳۷۸: ۳۴۲)

#### ۴-۳-۱. مبارزه با رانت‌خواری و لابی‌گری

رانت‌خواری و لابی‌گری در نقطه مقابل عدالت اجتماعی قرار دارد و اجازه نمی‌دهد تا منابع، به صورت عادلانه و به‌جا تقسیم شود. بدین ترتیب اقتصاد مملکت دچار ویرانی می‌شود و رفاه و آسایش در اختیار گروه خاصی قرار می‌گیرد. رانت‌خواری و لابی‌گری در شبکه خویشاوندی و رفاقتی شکل گرفته، به تدریج ریشه‌دار می‌شود. انقلاب اسلامی رانت و لابی‌های کثیف سیاسی را نمی‌پذیرد و در مقابل آن موضع‌گیری می‌کند. اسلام تنها به عدالت توصیه نکرده است بلکه ارزش‌ها را بالا و پایین کرده است (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۸: ۱۲۴) امیرالمؤمنین علیه السلام با قاطعیت نسبت به چنین روابط فساد آلودی هشدار می‌دهد:

به هیچ‌یک از اقوام و خویشانت زمین واگذار نکن و به‌گونه‌ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نشود، حال آنکه به زیان مردم باشد. مانند آبیاری مزارع یا زراعت مشترک... (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

آن حضرت در فرازی دیگر در خصوص انتخاب کارگزاران اداری می‌فرماید:

انتخاب منشیان، به فراست و اعتماد و خوش‌گمانی خودت نباشد؛ چراکه مردان برای جلب نظر حاکمان، خود را به ظاهرسازی و خوش‌خدمتی می‌شناسانند، در حالی که پشت پرده این ظاهرسازی خبری از خیرخواهی و امانتداری نیست. (همان)

سیره عملی امیرالمؤمنین علیه السلام نیز از همین روش عدالت‌جویانه حکایت دارد. مواجهه آن حضرت علیه السلام با عقیل در تاریخ ماندگار شده است. (ر.ک: ابن‌شهر آشوب، ۱۳۸۹: ۲ / ۱۰۹) در بستر نظام انقلاب اسلامی نیز چه بسا همین معضل شکل بیابد. رهبری فرمودند:

هرجا کارها لنگ است، به خاطر این است که در آن از این بی‌ایمانی‌ها و بی‌ریشه‌ای‌ها که منجر به نفع‌طلبی و فساد و تبعیض و رفیق‌بازی و امثال اینها می‌شود، وجود دارد. (بیانات رهبری / ۱۳۸۴)

#### ۴-۳-۲. مبارزه با سیاست‌بازی و سیاست‌زدگی

امیرالمؤمنین علیه السلام با سیاست‌زدگی و حيله‌ورزی به مقابله برخاست. آن حضرت علیه السلام فرمودند:

به خدا سوگند، معاویه زیرک‌تر از من نیست، ولی او پیمان می‌شکند و گناه می‌کند، و اگر زشتی حيله و پیمان‌شکنی نبود من از همه زیرک‌تر بودم... (نهج‌البلاغه، خ ۲۰۰)

کارگزاران فاسد، از بستر سیاست‌بازی، به نفع اغراض فردی و جناحی خود سوء استفاده می‌کنند. چنین مدیران سیاست‌زده‌ای نمی‌توانند اهداف انقلاب اسلامی را محقق نموده، شعار و ماهیت عدالت‌خواهی را اجرا نمایند. مدیر عدالت‌جو در تراز انقلاب اسلامی، سیاست را می‌شناسد و با آیین حکومت‌داری آشناست؛ اما در ورطه سیاست‌زدگی قرار نمی‌گیرد. مقام معظم رهبری فرمودند:

آگاهی سیاسی داشتن و بینش سیاسی پیدا کردن، یک مسئله است؛ اما در معرض سیاست‌بازی سیاست‌بازان قرار گرفتن، مسئله دیگری است. (بیانات رهبری / ۱۳۷۰)

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۷۳، یاران خود را برای پیکار با ظالمان و طاغیان آماده می‌کند تا بدانند که رویارویی با تزویر و سیاست‌بازی، به شناخت و بصیرت نیازمند است. در نقطه مقابل، کسانی قرار دارند که دچار ظاهرین و کوتاه‌نگری شده‌اند. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۶ / ۵۱۰) بر این اساس، انتخاب مدیران در حاکمیت اسلامی بر مبنای بصیرت و آگاهی استوار شده است تا افرادی برگزیده شوند که توان تمییز حق از باطل را داشته باشند. همچنین آن حضرت علیه السلام فرمودند:

آفه الزعماء، ضعف السیاسه.

آفت مدیران، ناتوانی و ضعف در بینش سیاسی است. (آمدی، ۱۳۷۸: ۳۸۴)

امیرالمؤمنین علیه السلام به صراحت می‌فرماید که عدالت را به پای سیاست قربانی نمی‌کند. (ر.ک: نهج‌البلاغه، خ ۱۲۶) تاریخ اسلام نیز همین شیوه حکمرانی را تأیید نموده، مواردی را یادآوری می‌کند که گویای بی‌بصیرتی و سیاست‌زدگی در برخی از خواص یا عوام جامعه است. علامه جعفری در تحلیلی اندیشمندانه می‌نویسد که آن حضرت علیه السلام با همه علاقه‌ای که به دو شهر مکه و مدینه داشت، اما کوفه را به‌عنوان مرکز زمامداری انتخاب فرمود. این همان عدالتی است که هیچ‌گاه فدای سیاست نشد تا نژادگرایی، منسوخ اعلام شود. (جعفری، ۱۳۸۲: ۲۲ / ۱۱۵) از همین منظر است که امیرالمؤمنین علیه السلام به سرزنش خوارج پرداختند؛ چراکه آغاز انحرافشان از کج‌فهمی و ضعف در شناخت سیاسی و بی‌بصیرتی بود. (ر.ک: نهج‌البلاغه، خ ۳۵)

### ۳-۳-۴. برخورد با مفسدین و فاسقین

مبارزه با فساد زمانی ممکن است که دست مفسدین و فاسقین - در همه ابعاد - از بیت‌المال کوتاه شود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام با قاطعیت فرمودند:

به خدا سوگند اگر [مالی را] بیابم که به مهر زنان درآمده یا بهای کنیزکان شده، آن را به بیت‌المال باز می‌گردانم... (نهج‌البلاغه، خ ۱۵)

مدیر و کارگزار عدالت‌جوی انقلابی نمی‌تواند مفسدین و فاسقین را تحمل نماید و بدون توجه به عملکرد فاسد آنان، شعار فسادستیزی بدهد؛ چراکه کارگزاران جامعه اسلامی بر نوامیس و اموال مردم امین هستند و چنانچه دچار خیانت شدند، برخورد با آنان ضروری است. بر همین اساس مقام معظم رهبری بارها به این مهم پرداخته و فرموده‌اند: «مبارزه با فساد، یک جهاد همه‌جانبه است». (بیانات رهبری / ۱۳۹۴) امام علی علیه السلام در خصوص مبارزه با مفسدین فرمودند:

شما می‌دانید که نباید والی و زمامدار بر نوامیس و نفوس و خون‌های مسلمانان و اموال و احکام و پیشوایی و زمامداری امت اسلامی، کسانی باشند که نسبت به اموال آنان حریص باشند و نه جاهل در احکام و امور و نه جفاکار و نه حیف و میل‌کننده و نه اهل رشوه و نه تعطیل‌کننده سنت. (همان، خ ۱۳۱)

چنین رویکرد مبتنی بر عدالت‌گرداندگان امور اجتماعی و سیاسی بوده است؛ که حاکمیت علوی را فسادگریز نمود؛ در حالی که سایر حکمرانان از این خصوصیت تهی بودند و نتوانستند مبارزه با فاسدین و مفسدین را اجرا نمایند؛ چراکه حکومت دچار فساد و تباهی بود. (جعفری، ۱۳۸۲: ۲۳ / ۱۱۹) همین رویکرد از ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی توسط معمار فقید انقلاب به‌کار گرفته شد. ایشان فرمودند:

ما آنهایی که دزدی کردند با آنها مخالفیم. در قشرهای دولتی، ما به همه قشرهای دولتی احترام قائل هستیم؛ اگر در بین آنها یکی دو تا پیدا شد که فاسدند، فاسدها باید بروند، تصفیه باید بشود. (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۳۴۵)

رهبری انقلاب در خصوص عدالت و کوتاه کردن دست مفسدین فرمودند:

تکلیف ما این است که عدالت را در جامعه مستقر کنیم و این هم جز با مبارزه علیه فساد و افزون‌طلبی انسان‌های مفت‌خوار و سوءاستفاده‌کن، امکان‌پذیر نیست. (بیانات رهبری / ۱۳۸۲)

## نتیجه

سیره امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره کوتاه حکومت علوی، الگویی کامل از حاکمیت انقلابی است که تئوری آن در کلام حضرت علیه السلام گردآوری شده است. امامین انقلاب نیز با تأسی بر مبانی دین اسلام به طراحی ساختار حاکمیتی انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. مطالعه تطبیقی میان سیره امیرالمؤمنین علیه السلام و امامین انقلاب به جریان‌گزینش مدیران عدالت‌جو در تراز انقلاب اسلامی کمک می‌کند؛ به‌خصوص اینکه در بستر شکل‌گیری گام دوم انقلاب قرار گرفته‌ایم. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد:

۱. کسانی در تراز مدیریت انقلاب اسلامی هستند که با دغدغه عدالت‌جویی و تفکر انقلابی‌گری در مسند قدرت قرار گیرند. با توجه به سیره علوی علیه السلام، قدرت، ابزاری برای تحقق عدالت و بستری برای نشان دادن انصاف حاکمیت اسلامی است تا در آن مجال، مردم بتوانند از حقوق فردی و اجتماعی خود برخوردار شده، تکالیف مدنی خود را انجام دهند. تئوری امامین انقلاب در تعیین کارگزاران نظام نیز بر همین شیوه استوار است. این مهم در بستر گام دوم انقلاب از اثربخشی بیشتری برخوردار است.

۲. کارآمدی از لوازم عدالت‌جویی و تفکر انقلابی است. مدیرانی می‌توانند در تراز انقلاب اسلامی قرار گیرند که با بهره‌مندی از دانش و تجربه برای تحول‌آفرینی کارآمد باشند. صلابت انقلابی، قاطعیت و جدیت در امور نشان‌دهنده کارآمدی مدیر انقلابی است.

۳. عدالت در بستر نظام انقلاب اسلامی جز با مردم‌داری محقق نمی‌شود. مردم اساس جامعه اسلامی هستند و مدیران، نمایندگان و وکلای ایشانند. در حکومت علوی علیه السلام انصاف و عدالت، نگهبان رابطه مردم و حاکمیت اسلامی است. در نقطه مقابل، بروز افراط و تفریط موجب گسست حاکمیت اسلامی می‌شود و از نشانه‌های جهل و نادانی است. در نظام سیاسی اسلام، ساده‌زیستی نمادی از مردم‌داری است؛ چراکه در این حالت، ضعیف‌احساس حقارت نمی‌کنند و فرصت‌طلبان برای سودجویی مجال نمی‌یابند.

۴. آنچه که کارگزاران حکومت اسلامی را از سایرین متمایز می‌کند، روحیه جهادی است. همت و تلاشی مضاعف، همراه با نشاط و شادابی اجتماعی که در سایه رهبری واحد انجام می‌شود. بدون روحیه جهادی نمی‌توان کشور را به موفقیت و آبادانی رساند.

۵. دردمندی از مهم‌ترین اسباب درک شرایط جامعه است که مدیران انقلابی از آن بهره می‌گیرند. حاکمیت اسلامی به کسانی اجازه می‌دهد در مسند قدرت بنشینند که با دردها، نیازها و خواسته‌های مردم آشنایی داشته باشند. انحراف از دردمندی، مدیران را به منجلاستکبارطلبی و رفاه‌زدگی می‌کشاند.

۶. آموزه‌های سیاسی - اجتماعی نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که امیرالمؤمنین علیه السلام کارگزارانی را انتخاب

فرمودند که با قاطعیت در برابر فساد مقاوم بودند. در نقطه مقابل، ضعف مدیران در مواجهه با جریانات فسادآلود، به تباهی حاکمیت می‌انجامد. کسانی برای مدیریت عدالت‌خواهانه شایستگی دارند که با زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش فساد - مانند رانت‌خواری و لابی‌گری - مقابله کنند و اجازه ندهند که سیاست‌بازی و سیاست‌زدگی جایگزین رفتار انقلابی شود.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ۱۳۸۰، مترجم: ناصر مکارم شیرازی، قم، دفتر انتشارات تاریخ و معارف اسلامی.
- نهج البلاغه، ۱۳۹۱، گردآورنده: سید محمد حسین شریف رضی، مترجم: محمد دشتی، قم، انتشارات امیرالمؤمنین.
۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۷۸، *نورالحکم و دورالکلم*، مترجم: هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر اسلامی.
  ۲. ابن ابی‌الحدید، عزالدین عبدالحمید، ۱۳۹۲، *شرح نهج البلاغه*، ترجمه غلامرضا لایقی، تهران، انتشارات کتاب نیستان.
  ۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۸۹، *مناقب آل ابی‌طالب*، تصحیح یوسف بقاعی، چ سوم، قم، نشر ذوی القربی.
  ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۱ ق، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
  ۵. ابن میثم، کمال‌الدین، ۱۳۷۵، *شرح نهج البلاغه*، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
  ۶. جعفری، محمد تقی، ۱۳۸۲، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ هشتم.
  ۷. خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۹، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ پنجم.
  ۸. خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۹۲، *حکومت اسلامی و ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
  ۹. خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۹۵، *چهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ پنجاه و نهم.
  ۱۰. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۸۶، *فرهنگ لغات*، تصحیح غلامرضا ستوده و همکاران، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
  ۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۶۲، *مفردات الفاظ القرآن*، تهران، انتشارات مرتضوی.

۲۰۳ □ بررسی مسئله انتخاب مدیران عدالت‌جو در تراز انقلاب اسلامی

۱۲. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۶، *تفسیرالمیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۸، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه انتشاراتی نور وحی.

۱۴. عسکری، ابی‌هلال، ۱۴۲۹ ق، *الفروق اللغویه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامیه.

۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *العین*، قم، مؤسسه دارالهجره، چ دوم.

۱۶. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۰، *فلسفه حقوق*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.

۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۹، *اصول کافی*، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸، *فروع کافی*، قم، انتشارات قدس.

۱۹. مجلسی، سید محمد باقر، ۱۴۰۴ ق، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه دارالوفاء.

۲۰. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۹۱، *میزان الحکمه*، مؤسسه دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، چ ششم.

۲۱. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، *پیرامون انقلاب اسلامی*، قم، انتشارات صدرا، چاپ شانزدهم.

۲۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، *سیری در نهج‌البلاغه*، قم، انتشارات صدرا، چ هجدهم.

۲۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۶، *عدل الهی*، قم، انتشارات صدرا، چ چهل و هشتم.

۲۵. معین، محمد، ۱۳۸۶، *فرهنگ لغات*، تهران، انتشارات زرین، چ سوم.

۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۵، *یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث*، قم، دارالکتب الاسلامیه، چ سوم.

۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۷، *پیام امام امیرالمؤمنین*، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم.

۲۸. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله، ۱۴۲۹ ق، *منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی